

دکتر محمد رضا ستیزی



# ادبیات پایداری

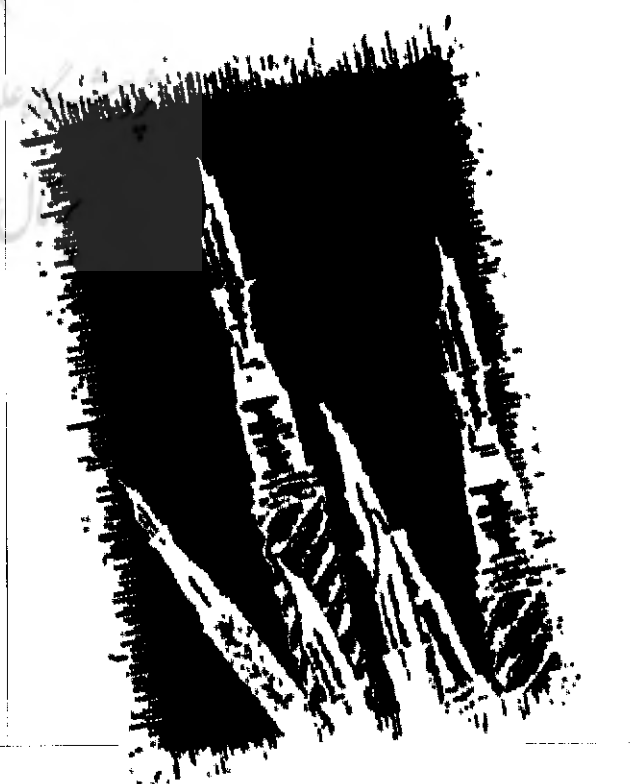
## چکیده

عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاههای قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند. بنابراین جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریانهای ضد آزادی است.

صرف نظر از ویژگیهای کلی این نوع ادبیات، آن چه وجه ممیزه آن از سایر مقوله‌های ادبی است، در پیام و مضمون آن نهفته است. بدین معنا که آثاری از این دست اغلب آینه دردها و مظلومیت‌های مردمی هستند که قربانی نظامهای استبدادی شده‌اند. این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید دادن پیروزی موعود؛ دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جان‌باختگان وطن را در بطن خود دارند.

یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان و شاعران این نوع ادبیات، بی‌هویتی نسلی است که رفاه غربت، آنها را از درد و رنج ملت خویش غافل کرده است. از این روست که می‌کوشند با طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی، عرق وطن‌دوستی و دفاع از آب و خاک و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب (به جای تن دادن به وضع موجود) را در افراد ایجاد کنند.

نخستین و بایسته‌ترین گام در بحث و تحلیل هر مقوله‌ای، شناخت جغرافیایی آن موضوع و ترسیم مرزهای آن است. بی‌گمان برای بسیاری از موضوعات، فراخنا و گستره‌ای بی‌مرز می‌توان قائل شد و این شیوه‌ای است که در حوزه علوم انسانی متداول‌تر است و البته جز گره‌افکنی در کار و ایجاد ابهام و سردرگمی راه‌آوردی ندارد. ادبیات مقاومت یا پایداری نیز مصون از این خطرگاه نیست. می‌توان دامنه ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر ظهور و بروز می‌یابد گسترش داد. در این صورت سروده‌های نخستین انسان در ستیز با عناصر طبیعت و عوامل مرموز مؤثر در سرنوشت، نوشته‌ها و سروده‌هایی که ستیز انسان با خویش و خواهشهای شکننده و اسارت‌آفرین را باز می‌گویند و همه آثاری که به جنگ‌های تاریخ ملت‌ها برمی‌گردند در قلمرو ادبیات پایداری قرار می‌گیرند.



اما این شیوه تحلیل و تبیین و اعتقاد به چنین میدان فراخ و بی مرزی نه علمی است و نه منطقی. از نظر گاه علمی، ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتیها و پلشتیهای بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی؛ با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می گوید. برخی از این آثار، "پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان - به نگارش "تاریخ" آن می پردازند" (شکری، ص ۱۱-۱۰).

کاربرد عنوان "ادبیات پایداری" بسیار جوان است و عمدتاً به سروده ها، نمایشنامه ها، داستانهای کوتاه و بلند، قطعات ادبی، طنزها، حسب حالها، نامه ها و آثاری گفته می شود که در همین سده، نوشته و آفریده شده اند و روح ستیز با جریانهای ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان می دهند و متضمن رهایی و رشد و بالتدگی جامعه های انسانی هستند.

### ویژگیهای کلی ادبیات مقاومت

بین ادبیات مقاومت با دیگر حوزه های ادبیات، گذشته از بیان هنرمندانه، ویژگیهای مشترک زیر به چشم می خورد:

#### ۱- بهره گیری از نماد

آنچه این نوع ادبیات را به استفاده از نماد ناگزیر کرده است، نه فقط حاکمیت فضای اختناق، تهدید و ارباب، که زیبایی، ایجاز و قدرت در رساندن مراد و مقصود بوده است.

#### ۲- چهره انسانی عام داشتن

نمونه های شاخص و برجسته ادب پایداری هر چند نموده ها و نمادهای قومی، منطقه ای و ملی را در خویش دارند، اما به دلیل آنکه زبان وجدان عام بشری هستند، همه انسانها در هر زمان و مکان می توانند با آنها ارتباط درونی بیابند. به دیگر زبان ادبیات پایداری، فرازمانی و فرامکانی است و هر کس در همه گاه و همه جا می تواند در آینه آن آثار خود را بیابد یا چهره سیاه زشت کاران و اندوه نشسته بر چهره دردمندان و شکوه ایستادن و ستیز با بیدادگرها را در آنها تماشا کند.

#### ۳- مشترکات ادبی، زبانی، فکری

آثار ماندگار و موفق ادب پایداری همچون آثار بزرگ ادبی در حوزه های دیگر، می توانند در قالب سبکهای گوناگون تجلی یافته، از نظر گاه و ساختهای گوناگون ادبی، زبانی و فکری تحلیل و ارزیابی شوند. این آثار از زیباییهای لفظی و معنوی سرشارند، از نظر گاه زبانی قابل تحلیل و تأمل اند و از نظر گاه فکری و اندیشگی، مضامین بلند و اصیل انسانی در آنها متجلی است.

### شاخصهای ادبیات مقاومت

گذشته از وجوه مشترک با دیگر مقوله های ادبی، وجوه بارز و متمایزی در ادبیات مقاومت دیده می شود که برخی از آنها عبارتند از:

#### ۱- ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم

مردم، قربانیان نخستین نظامهای بیدادگر و استثمارپیشه اند. فقر، فساد، سرگردانی، مرگ و حتی جنایت محصول استبداد و بیداد است. ادب پایداری آینه دردها، رنجمویه ها، شروه ها و مرثیه های مردم است؛ مردمی که گدازه های درون را در خاکستر نگاهشان فریاد می کنند و شاعر، شعرش را تفسیر این دردها می سازد:

فلاتی بی باران

با علف چرهای قحطی زده اش

و گله ای پراکنده

که در جست وجوی خا ربنی دندان گیر  
بر خاک پوک سرخ سوخته اش  
پوزه می مالد  
و چوپان بچه ای بی لبخند  
که با نی لبکش  
چهار ترانه غمگین را  
پی درپی می نوازد

\*

مرگی ساده و پردرد  
در طبیعت زیبا و فقیر  
این است سهم ما  
از تمامی بولیوی!  
(در فکی، ص ۳۹)

#### ۲- دعوت به مبارزه

ادب مقاومت، پر خاشاک و تندخو و بی پرواست و دعوت کننده به قیام، ایستادگی و ایثار؛ دعوتی که گاه به صورت فریاد اعتراض است و گاه در چهره نبرد مسلحانه:

فریادهای وطن را  
بر گیتارهای تان بنوازید  
تا ترانه های ناخوانده  
چون خونی جوان  
در رگها بجوشد  
و عشق  
چون زیباترین دختر بومی  
در حلقه آزادی و بهار  
دست بیفشاند  
آرزوهای سوخته  
در خنجره هاتان تازه می شود.  
و سرود هاتان

ز حمتکشان را رو بین تن می کند  
میراث تازیانه خوردگان را  
- هر چه هست -

بر گیتارهای تان بنوازید  
زخمه هاتان  
پرواز کبوترانی خون رنگ  
و اوایتان

جرعه ای خوش

برای عطشناک گلوی وطن است  
عصیانهای وطن را

بی آنکه نفس تازه کنید  
بر گیتارهای تان بنوازید

(پیشین، ص ۹۸-۹۷)

#### ۳- بیان جنایتها و بیدادگرها

در نظامهای مستبد و بیدادگر، شکنجه و تازیانه و زندان، خفه کردن فریادها در گلو، تبعید و ترور، قانون است. "جواد جمیل" شاعر عراقی در شعری با عنوان "ترور" می گوید:

..صدای تق تق قدمهایشان بلند بود  
صدایشان طعم مزگ می داد.





و چشمهایشان چون چشمان وحوشی بود  
 که شب جنگ آن را پوشانده باشد  
 - کیستند؟  
 - اسم لازم نیست  
 آمده‌ایم تا چیزهایی را بشناسی.  
 و آرامش شب  
 با صدای تیری لرزید  
 و ریسمان باریکی از خون  
 خاموشانه پیچید  
 ...  
 بر جسد زرد  
 یک تکه ورق پیدا کردیم  
 "تروریستها  
 نص قانون برایشان اجرا شد."  
 (جمیل، ص ۷۸)

و "جبرا ابراهیم جبرا" شاعری از سرزمین فلسطین در  
 مجموعه شعر "در بیابانهای تبعید" از تبعید و خیانت می گوید:  
 بهارهای پیاپی را در بیابانهای تبعید می گذرانیم.  
 با عشق خود چه کنیم  
 درحالی که چشمانمان پر از خاک و شبنم یخ زده است؟  
 (بدوی، ص ۵۲۴)

۴- توصیف و ستایش جان باختگان و شهیدان  
 مبارزان راه آزادی و ایثارگرانی که هستی خود را به میدان نبرد  
 آورده‌اند و در شکنجه گاه یا میدان مبارزه جان باختند، نماد عظمت  
 و افتخار و الگوی فداکاری هستند:

ای قهرمانان!  
 این خون شماست  
 در قلب من



که چون شهابها فرو افتاد  
 و عشق مرا انگیخت  
 کدام پیکر با این خون تطهیر نمی یابد.  
 (بخشی از شعر "شیپور شهیدان" از سَنیه - صالح شاعر مشهور  
 سوری، در کتاب خاکستر تمدنها، ص ۱۸)  
 و "حمید المختار" شاعر فلسطینی، در توصیف شکوه مندی  
 شهادت شهیدان می گوید:  
 وقتی او را به جویه اعدام بستند  
 و به سویش آتش گشودند  
 همگی در خون تپیدند  
 اما او هنوز بر پای ایستاده بود.  
 (بخشی از شعر "حمید المختار"، ترجمه محمد رضا ترکی،  
 اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۲/۱۱)

"آله خاندن روگازه لا" شاعر و ترانه پرداز السالوادوری در سوگ  
 "ویکتور خارا" - آواز خوان مقتول شیلی - می گوید:  
 او را در پرسه های بی پایان کولی وارش  
 در می یابیم  
 که ترنم زنگدارش  
 چون نافوس شبانگاهی  
 خواب مسموم قاره را آشفته می کند  
 او میراث بومیان پارهنه  
 فرزند بی بدیل خلق لاتین  
 ویکتور خارا است  
 (درفکی، ۱۰۳-۱۰۲)

۵- القای امید به آینده و پیروزی موعود  
 شاعر و نویسنده از پس ابرهای تیره یأس و سرخوردگی که  
 آسمان چشمان مردم تحت ستم و جور را فرا گرفته است، به روشنایی  
 افق فردا نظر دارند و می کوشند با نوید دادن شکست بی تردید ستم  
 و پیروزی عدالت، بارقه امید را در قلبها روشن نگه دارند. این رسالت  
 در آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان دینی با بهره گیری از  
 وعده های قرآنی صورت می گیرد و البته سایر شاعران و نویسندگان  
 نیز به شیوه های دیگر می کوشند مردم را به پیروزی نهایی حق بر  
 باطل امیدوار سازند.  
 "عدنان الضانغ" شاعر تبعیدی عراقی می گوید:  
 کتابهای تاریخ را ورق می زنم  
 انگشتانم به خون آلوده می شوند  
 هر گاه فصلی از سرگذشت خود کامه ای  
 به اتمام رساندم  
 نگاهیانان به سوی فهرست سوقم دادند  
 تا در آن جا از ترس بلرزم  
 ای زُنرالها  
 ای زُنرالها  
 با رؤیاهایمان چه ها که نکردید؟!  
 با این همه چکمه  
 از گردنهایمان می گذرید  
 درحالی که ما هنوز  
 برای خورشید دست می تکانیم  
 (اطلاعات، ۱۳۷۶/۳/۲۰، ترجمه محمد امین).

- عنوان ادبیات
- پایداری معمولاً به
- آثاری اطلاق می شود
- که تحت تاثیر
- شرایطی چون
- اختناق و استبداد
- داخلی، نبود
- آزادیهای فردی و
- اجتماعی،
- قانون گریزی و
- قانون ستیزی با
- پایگاههای قدرت،
- غصب قدرت و
- سرزمین و
- سرمایه های ملی و
- فردی و ... شکل
- می گیرند.



## عستایش آزادی و آزادی

است و می‌کوشد با پناه بردن به توجیهاات گونه‌گون، خود را به آنچه "هست" راضی نگه دارد.

"عبدالوهاب البیاتی" شاعر عراقی می‌گوید:

این روز هرگز از برای من نبود

در بسته بود!

این روز هرگز از برای من نبود

بی‌حاصل خواهم بود! چاره‌ای نیست؛ همیشه در ناکجاآباد خواهم

ماند.

نه چهره‌ای دارم و نه تاریخی، از ناکجاآبادم

(پیشین، ص ۴۹۱)

و شاعره مشهور بلغارستان بلاگادیمیتروا در شعر "بذرهای زمستان"

می‌گوید:

تبعید -

ترجمان بینوای خود بودن

زبان بیگانه، حضور تو را انکار می‌کند

آسان تر خواهی یافت

کر و لال بودن را

(اطلاعات، ص ۱۳۷۴/۹/۲۸)

## ۹- طرح نمادهای اسطوره‌های ملی و تاریخی

هرگاه سخن از ملت و سرزمین به میان می‌آید، اسطوره‌ها و نمادهای

ملی نیز مطرح می‌شوند. "شاعران مصر فقط به اسطوره‌های عربی که در

میراث عربی قدیم وجود دارد، به‌خصوص به داستانهای الف لیل و لیل -

هزار و یک شب - توجه دارند ولی شاعران دیگر عرب به اساطیر کهن عربی

اکتفا نمی‌کنند، بلکه اسطوره‌های ملل قدیم جهان را نیز در شعرشان

می‌آورند. اسطوره‌ها و نمادها پل پیوند گذشته و امروزند:

نیاکان من آنان اند

که سنگ‌اهرام را برافراشتند

و گلدسته اسلام را ساختند

و ما در روزگار پرافتخارمان

آشتی را پایه‌گذاری می‌کنیم.

سوگند به اهرام و اسلام و آشتی

که تو را خواهیم کشت

یا همه شرنجهایی که تلخ‌زار روزگار

به من چشاند

در خون تو شنا خواهیم کرد

(شکری، ص ۴۴۶)

## زمینه‌ها، عوامل پیدایی و رواج ادب مقاومت

سرشت انسان، بدی را بر نمی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با بیداد

و ناروا به اشکال مختلفی چون: اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری، رویارویی و

مقابله نشان می‌دهد. اما آن هنگام که روح عناد با مظاهر زشتی و شر در

کالبد کلمات دمیده می‌شود، ادب مقاومت جان می‌گیرد. به دیگر سخن،

ادب مقاومت، تجلی ستیز با بدی و بیداد با سلاح "کلمه" است. بر این

اساس از دیرباز انسان با این سلاح کاراً به میدان آمده و پیروزیهای

درخشانی را نیز رقم زده است. طنز، هجو (حتی هزل)، حبسیه‌ها،

نمایش‌نامه‌ها، داستانها، سروده‌های روشنفکرانه و معترضانه همه و همه

در این حوزه قرار می‌گیرند. برخی زمینه‌های پیدایی ادب مقاومت را در

عوامل زیر باید جست‌وجو کرد:

آزادی، آرمان آزادی خواهان است. ستیز با زندان، بند و اختناق و نیز

آرزوی روزهایی که خورشید آزادی از پشت ابرهای تیره بیداد بدمد، فضای

شعر پایداری را پر کرده است. آزادی در ادبیات پایداری، فرشته است، پیامبر

است، نسیم و سبزه و درخت و بهار است و شاعر همواره در جست‌وجوی آن،

تا آن حد که در آرزوی یافتنش، مرگ را به جان می‌خرد و توصیه می‌کند پس

از مرگ، جسدش را در صحرا (نماد رهایی و گستردگی) بیفکنند، و هرگز

در قبر (به دلیل شباهت آن به زندان) قرار ندهند. "احمد الصافی النجفی"

(۱۹۸۴-۱۹۷۷) شاعر عراقی در شعری با عنوان "آزادی جاودان"

می‌گوید:

پس از مرگ مرا در صحرا افکنید، چه خوش است زندگی و مرگ من

در صحرا

در قبر حبسم مکنید چون که از زندان، حتی پس از مرگ بیزارم

وقتی بدنم خورش کرکسها و شیرهای درنده شود،

اجزای پیکرم را خواهم دید که با من در هر سو در سیر و سیاحتند

چه سفر بی نظیری است چنین سفری بعد از مرگ که من در زندگی نیز

به شوق آن جان می‌دادم

(بدوی، ص ۱۴۳).

## ۷- ستایش سرزمین خود

شاعران و نویسندگان - به ویژه آوارگان و تبعیدیان - در یادکرد

سرزمین خود، به ستایش گذشته‌ها، مبارزات، مردم و حتی مظاهر دیار خود

می‌پردازند. در شعر شاعران فلسطین این ویژگی با اندوهی بزرگ و گاه

پرخاش به دشمن، بیش از شاعران دیگر سرزمینها دیده می‌شود:

یاقا، فردا موقع درو به نزد تو برمی‌گردیم

همراه پرستو و بهار

و با دوستانی که از تبعیدگاه و زندانها برمی‌گردند،

در موقع چاشتگاه با چکاوکها

و مادران

اینجا پناهگاه شماره بیست است

هنوز حال ما خوب است و خانواده

و دوستان آواره

از زاغه‌های دور به خوبشان سلام می‌رسانند

"جبرا ابراهیم جبرا" شاعری از ناصره فلسطین، خطاب به سرزمین

خوبش، از یادهای کودکی و خاطرات پیش از غصب کشورش سخن

می‌گوید:

ای سرزمین ما، ای جایی که جوانی مان در تو

مانند رویایی، در سایه درختهای پرتقال

و میان درختهای بادام مزرعه‌ها گذشت

ما را به یاد بیاور، اینک که

میان خارهای بیابانها

و کوههای سنگلاخ سرگردانیم

(پیشین، ص ۵۲۴)

## ۸- طرح بی‌هویتی جامعه و تبعیدیان

دوری از وطن و آوارگی، زیستن در غربت، به‌ویژه برای نسلی که در

غربت متولد می‌شود، زمینه‌ساز فراموشی سرزمین، کم‌رنگ شدن

حساسیتهای ملی و گاه فراموشی و تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه است. یکی

از دغدغه‌های نویسندگان و شاعران، بی‌هویتی نسلی است که در غربت

زیسته و امکانات غربت و تمتع گرفتن از آنها رنج مردمش را از یادش برده





● می توان دامنه ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر ظهور و بروز می یابد گسترش داد.

سیدالشهداست. پیامبر در ناحیه "ابواء" - مدفن مادرش آمنه - به جنگ دشمنان شتافت ولی آنها گریخته بودند. در هنگام بازگشت، حمزه - جابک سوار اسلام - را مأمور کرد با سی تن سواره که همگی از مهاجران بودند به مقابله با ابوجهل بشتابد. هر چند با وساطت شخصی به نام "مجد بن عمرو حنبی" جنگی درنگرفت، اما حمزه در شعری از اینکه در این جنگ، پرچم فرماندهی را از دست پیامبر دریافت کرده و نخستین فرمانده سپاه مسلمانان شده، این گونه سروده است:

یا مرسول الله اول خافقی  
علیه لواء لم یکن لاح من قبلی  
لواء لذبہ النصر من ذی کرامه  
اله عزیز فمله افضل الفعل  
فلما تراءینا انا خوا فمقلوا  
مطایا و عقلنا مدی غرض النبل...  
(سامی النشار، ص ۳۹-۳۸)

یعنی:

به فرمان رسول خدا نخستین پرچم جهاد به عهده من سپرده شده در حالی که پیش از من چنین پرچمی به اهتزاز در نیامده بود. پرچمی که پیروزی آن را صاحب فضلی عزیز یعنی خداوندی که حکمش برترین حکمهاست، تضمین کرده است. وقتی دشمنان ما را دیدند، باز نشستند و مر کبها را بستند. ولی ما دامن همت بستیم و آماده نبرد شدیم.

در سرایا و غزوات، شاعرانی چون "حسان بن ثابت" به ستایش یاران پیامبر و هجو و بدگویی دشمن می پرداختند. رجز صحابه ای چون "ابودجانه" و شخص علی (ع) (به ویژه در جنگ احزاب در مقابل "عمرو بن عبدود") از سروده های شکوهمند و رجز گونه ای است که اهمیت سروده های عصر پیامبر را در صحنه های نبرد به خوبی نشان می دهد. پیامبر این گونه سروده ها را می ستود و به روایت "ابن هشام" وقتی "کعب بن مالک" در پاسخ به قصیده "عبدالله بن زبیری" شعری به این مضمون سرود که قریش آمد تا "با خداوند ستیزه کند، پیداست کسی که با خداوند ستیزه کند به یقین مغلوب خواهد شد"، رسول خدا به او گفت: "لقد شکرک الله یا کعب علی قولک هذا" (۱)

سروده های عصر پیامبر در تحلیلی کلی و نهایی دارای مضامین زیر است:

- ۱- معرفی و تبیین مکتبی که پاسداری از آن حتی به بهای مبارزه کردن تا پای جان، ارزش دارد.
- ۲- شناساندن چهره پیامبر که همچون سخن و سیره و مسائل وحی شده به او، صداقت محض است.
- ۳- ایجاد روحیه در افراد جنگ کردن تا پیروزی و امیدوار کردن آنها به فرا رسیدن امداد الهی.
- ۴- ایجاد سستی و فترت در روحیه دشمن.
- ۵- توصیف شهیدان و ارزش شهادت.
- ۶- مرثیه و سوگ شهیدان.
- ۷- هجو دشمنان (چرا که پیامبر به شعرا می فرمود: دشمنان را هجو کنید) (امینی، ص ۱۸-۱۴)

گفتنی است که در عصر پیامبر و ائمه، شعر تنها ترین و اصلی ترین رسانه ای بوده که به دلیل انس و الفت با جامعه،

۱- اختناق و استبداد داخلی و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی.

۲- استثمار و استثمار قدیم و جدید.

۳- غصب قدرت، سرزمین و سرمایه های ملی و فردی

۴- تجاوز به حریم ارزشهای فردی، دینی، اجتماعی، ملی و تاریخی.

۵- قانون گریزی و قانون ستیزی پایگاههای قدرت.

۶- جریانهای دینی (مانند اسلام و مسیحیت و...) و غیردینی و مکتبهای فکری، نظیر مارکسیسم و...

حضور و وجود این عوامل، گرچه همه شامه های قوی اجتماعی و ادبی و هنری را برانگیخت تا به ستیز با بیداد و بدی برخیزد و مردم را نیز ضد آن بشورانند، اما در این میان، نقش نویسندگان و شاعران در شکل گیری و رواج مقاومت - که رساترین و تأثیر گذارترین شیوه مبارزه با بیداد و بیدادگر است، نمود و بروز چشمگیرتری دارد.

بدون شک تحقق این دو ویژگی - یعنی رسایی و تأثیر گذاری اثر - جز با بهره گیری از همه ابعاد ادبی میسر نخواهد شد و نویسندگان و شاعران با آگاهی به این مسئله و با بهره گیری از شعور عمیق خویش، زبان و واژگان خود را انتخاب کرده، اندیشه برتر خویش را به تصویر می کشند و این، همان راز و رمز رسایی، تأثیر گذاری و سرانجام مانایی این آثار است.

### ادبیات پایداری در تاریخ اسلام

نخستین سروده های پایداری در تاریخ اسلام، قصاید ابوطالب (ع) در ستایش و دفاع از ساحت پیامبر و مسلمانان شکنجه دیده است. "هنگامی که ابوطالب (ع) دید کار به سختی کشیده و هر قبیله ای از قریش، افراد مسلمان شده خود را شکنجه می دهند و از دینشان باز می دارند، در میان بنی هاشم و بنی مطلب بن عبدمناف به پاخواست و آنان را به حمایت از رسول خدا و نگهداری وی دعوت کرد. پس همگی جز ابولهب به وی پیوستند و دعوت وی را در حمایت از رسول خدا پذیرفتند و ابوطالب که بدین کار شادمان شده بود قصیده ای در فضل رسول خدا و مدح آنان گفت که ابیاتی از آن چنین است:

اذا اجتمعت یوماً قریش لم فخر  
فعبد مناف سرها و صمیمها  
فان حصل اشراف عبد منافها  
بنی هاشم اشرافها و قدیمها  
و ان فخرت یوماً فان محمداً  
هو المصطفى من سرها و کریمها"  
(آیتی، ص ۱۰۰)

یعنی:

اگر روزی قریش برای مباحثات و افتخار گرد آیند، عبد مناف روح و قلب آن است و اگر اشراف عبد مناف را بخواهیم، شرافت و پیشتازی در بنی هاشم است. اگر افتخار هاشم را بخواهیم، محمد مصطفی (ص) بزرگ و بزرگوار آنان است.

سروده های ابوطالب در هنگامه توان سوز شعب ابی طالب، گواه ایمان و اعتقاد عمیق قلبی او به پیامبر است. نخستین سروده های که در تاریخ اسلام در صحنه نبرد ثبت شده، از آن حمزه



کارکردی بسیار مؤثر داشته است. اگر پیامبر شعر نمی سرود و نمی خواند، ولی سایر امامان همگی به شعر می پرداختند، چنان که در جنگ صفین بخشی از پاسخهای حضرت علی (ع) به نامه های معاویه، شعر گونه است. شگفت است که در نبرد سپاه علی (ع) یا معاویه، زنی به نام "ام سنان" بر بلندی می ایستاد و با سروده های مهیج خویش سپاه را به مبارزه تشویق می کرد. داستان رویارویی این زن با معاویه در تاریخ آمده است. (اعثم کوفی، ص ۵۲۲-۵۲۱).

زیباترین سروده های پایداری در تاریخ اسلام را باید در حماسه شگفت و عظیم عاشورا جست و جو کرد. امام عاشورا خود، چه در مسیر آمدن به کربلا و چه در عرصه نبرد، سروده هایی دارد که هر چند برخی از آنها متعلق به شاعران بزرگ عرب مانند "یزیدین مفرغ" است، اما عمده آنها بدیهه سراییهایی هستند که امام به مقتضای حال و اوضاع سروده است. رجزهای امام حسین (ع) در صحنه نبرد، همگی شورانگیز و شکوهمند، حماسی و استوار و سرشار از مفاهیم و مضامین عمیق ایستادگی، پاکبازی و آزادگی است.

الموت خیر من رکوب العار  
والعار أولى من دخول النار

"مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول آتش" صحابه بزرگوار امام نیز در لحظه رویارویی با دشمن و جانفشانی در میدان، رجز می خواندند و سروده های آنان (که ترجمان ایمان، خلوص و ازجان گذشتگی آنها بود) در میدان طنین می افکند.

رجزهای کربلا که با رجز امام حسین (ع) و خواندن شعر "فروه بن مسیک" آغاز می شود مجموعاً ۳۴ رجز است. این رجزها که کوتاه، کوبنده، ترسیم کننده آرمان مبارزان و سمت و سوی مبارزات و در جهت ستایش از امام و تحقیر دشمنان و در یازده مورد بیانگر تقابل دینی و رویارویی دو مذهب بوده، با نوعی مفاخره - رسم رجز خوانی عرب - همراه بوده است. گاه نیز نمونه هایی از رثا در آنها دیده می شود. در رجزها، از حقانیت راهی که مبارزان برگزیده اند و بیدادی که در مقابل آنها صف کشیده است. سخن به میان می آید.

پس از کربلا، هر چند دشمن بر این باور بود که همه چیز پایان یافته است، اما گویی این حادثه، خود آغاز راه بود، چنان که خطبه های شگفت آور و ستم برانداز زینب (س) و امام سجاد (ع) نمونه های درخشان ادب مقاومت در مقابل بیداد به شمار می روند. پس از آن نیز سروده های "فرزدق" - به ویژه قصیده مشهور ایشان در مقابل "هشام بن عبدالملک" - سروده های شاعرانی چون "داوود بن عباس" یا "داوود سلمی" در سوگ شهیدان فخر، "اشبع بن عمرو سلمی" در رثای حضرت رضای (ع)، مرثیه "دعبل بن علی خزاعی" که در رثای فرزندش احمد سروده و در آن به هجو خلفای عباسی و شهادت حضرت رضای (ع) اشاره کرده است، شعر "علی بن عباس رومی" در شهادت یحیی - از نوادگان زید بن علی (ع) - و سروده های شاعران بزرگ دیگر بارقه هایی بود در شب بیداد که چهره ستمگر را رسوا و حقیقت پنهان را آشکار کرد. در تاریخ شیعه، ادب مقاومت جایگاهی رفیع و گسترده دارد که بررسی آن نیازمند مجالی دیگر است.

### ادبیات مقاومت در ایران

اگر از قرون اولیه حضور اسلام در ایران، در پی یافتن نمونه های ادب مقاومت باشیم، اولین نمونه ها را در نهضت مشهور شعوبیه می یابیم. پس از شکست ایرانیان از اعراب مسلمان، گروهی با

پرداخت جزیه و خراج، به آیین پدران خویش و فرهنگ گذشته وفادار ماندند و با پیروی از ادیان کهن ایرانی (زردشتی، مانوی و مزدکی)، آثار نسلهای پیشین را که به خط اوستایی یا پهلوی بود نگه داشتند.

گروه دیگری که عمده ایرانیان از آن گروه به شمار می آیند به دین اسلام گرویدند و پس از آشنایی با زبان، فرهنگ و تمدن اسلامی و عربی در شئون مختلف حکومت، نفوذ کردند و به موقعیتهای حساس و پستیهای کلیدی دست یافتند.

متأسفانه فاتحان عرب، به دلیل پیروزیهای چشمگیر و وسعت دامنه فتوحات به دامگاه غرور افتادند و گاه به احیای فرهنگ نژادپرستانه ای که پیشتر زیر گامهای بلند اسلام فرو شکسته بود، به تحقیر پرداختند. دیگران که جلوه های بارز این تعصب کور و غرور ناروا را در عصر حکومت بنی امیه می توان یافت. این غرور تا به آنجایی رسید که بعضی از سفها و متعصبان عرب هیچ کس از اعاجم را لایق فرمانروایی نمی دانستند (۲)

این تحقیرها، با روح اسلام که ارزش را در تقوا، جهاد و علم می جوید، مغایر بود. تحقیرشدگان ایرانی که با باورهای دینی و اعتقادی می زیستند، بی آنکه این دین را رها کنند در مقابل افکار سلطه طلبانه و مغرورانه تحقیرگران ایستادند و با بیان مفاخر و آثار نیاکان خویش و تحقیر و پست انگاری عرب، به مبارزه با آنان پرداختند. نخستین ایرانی که در عصر اموی و در کشاکش تحقیرهای بنی امیه، زبان به بیان افتخارات اجداد خود گشود، "اسماعیل بن یسار" - از موالی بنی تمیم، شاعر شعوبی عصر "عبدالملک بن مروان" و "هشام بن عبدالملک" - است که در سال ۱۰۱ درگذشت. وی روزی نزد "ابن هشام" قصیده ای را بر خواند که برخی ابیات آن چنین است:

اصلی کریم و مجدی لایقاس بُه  
ولی لسان کجد آسیف مسموم  
احمی به مجد اقوام ذوی حسب  
مین کل قوم تباچ الملک معموم...  
من مثل کسری و شاپور الجنود معاً  
و الهمرمان لفخر او لتعظیم

در این سروده، شاعر، اصل خود را بزرگ و عظمت خود را غیر قابل قیاس و زبانش را شمشیری برنده دانسته و به پادشاهانی چون کسرا و شاپور و هرمان بالیده و افتخار کرده است.

گفته اند این اشعار آن چنان خشم هشام را برانگیخت که دستور داد در آتش افکنند و او تا مرز خفگی پیش رفت. پس او را از آب گرفتند و به حجاز فرستادند.

"بشار بن برد" دیگر شاعر متعصب ایرانی است که سروده های او در تحقیر عرب و ستایش ایرانی در جلد سوم "اللاغانی" آمده است.

بازتاب شعوبی گری را در شعر "ابوالقاسم فردوسی" می یابیم:

ز شیر شتر خوردن و سوسمار  
عرب را به جایی رسیده ست کار  
که تاج کیانی را کند آرزو  
تفو بر تو ای چرخ گردون تفو!

و از منصفان معاصر که بازتاب شعوبی گری را در شعرش می یابیم، "ملک الشعرای بهار" است که می گوید:

(آیینه وند، ۷۰)



می‌جستند.

اندیشه شعوبی‌گری و مقاومت در مقابل تبعیض‌گرایی و ستمگری بنی‌امیه و بنی‌عباس در ایران نه تنها در سروده‌ها که در احادیث بر ساخته نیز دیده می‌شود. حتی کتابهایی چون "فضائل الفرس" اثر "ابوعبیده معمر بن المثنی" "المثالب" اثر "علان الفارسی الشعوبی" و "فضل العجم علی العرب" اثر "سعید بن حمید البختکان" نوشته شد که البته همگی از میان رفته‌اند و تنها قسمتهایی از آنها باقی مانده که در کتابهایی چون "العرب ابن قتیبه"، "البیان و التبیین" جاحظ، "العقد" الفرید ابن عبد ربّه و "عیون الاخبار" ابن قتیبه آمده است. (پیشین، ص ۷۳).

### حسیه، نوعی ادب پایداری

در ادبیات فارسی، زندان سروده‌ها یا حبسیاتی که گاه توأم با سوز و آه و اندوه و گاه بیانگر شکوه پایداری شاعرند، فراوانند. سروده‌های "مسعود سعد سلمان"، "ناصر خسرو"، "خاقانی"، "ملک الشعرا"، "فرخی یزدی" و دیگر شاعران زندانی، آمیزه‌ای از تأثر، شکایت، انتقاد، سرکشی و پایداری است. شاعران زندانی در ایران دو دسته‌اند:

۱- آنان که به علت مخالفت با حکومت و به جرم اتهامات سیاسی، مورد تعقیب و بازداشت حکومت وقت قرار گرفتند، نظیر "مسعود سعد سلمان"، "فلکی شروانی"، "مجیرالدین بیلقانی"، "ابوالمعانی نصرالله منشی"، "خاقانی"، "ملک الشعرا"، "فرخی یزدی"، "موسوی گرمارودی" و...

۲- سخنورانی که از نظر مذهب و اعتقاد با غالب مردم زمان خود اختلاف داشتند و به بی‌دینی متهم شدند و حکومت وقت برای به دست آوردن دل عوام - نه به خاطر ایمان قلبی - در صدد آزار و زندان برآمد، نظیر "ابا افضل"، "عین القضاة همدانی"، "فضل الله حروفی"، "عمادالدین نسیمی"، "شجاع کاشانی"، "حیاتی کاشانی"، "ابوالقاسم امری" و "محمدباقر خرده‌ای" (ظفری، ص ۴۰)

### دفاع از اهل بیت (ع)؛ چهره‌ای از ادب مقاومت

ایرانیان بیش و پیش از اقوام دیگر با اهل بیت آشنا و شیفته و باورمند آنها بوده‌اند. "کسای مروزی" (شاعر قرن چهارم) در منقبت و ستایش و دفاع از امام علی (ع) می‌گوید:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین  
فضل حیدر، شیرمردان، مرتضای پاکدین  
فضل آن کس کز پیامبر بگذری فاضل تر اوست  
فضل آن رکن مسلمانی امام المتقین...  
سیصد و هفتاد سال از وقت پیغمبر گذشت  
سیر شد منبر ز نام و خوی سکین و تکین  
منبری کالوده گشت از پای مروان و یزید  
حق صادق کی شناسد و آن زین العابدین  
مرتضی و آل او با ما چه کردند از جفا  
یا چه خلعت یافتیم از معتصم یا مستین  
کان همه مقتول و مسمومند و مجروح از جهان  
وین همه میمون و منصورند امیر الفاسقین  
ای کسای هیچ مندیث از نواصب وز عدو  
تا چنین گویی مناقب، دل چرا داری حزین؟  
ایات این قصیده گواه رنج بزرگ او از ستایش سلاطین غزنوی (سکین) و وصف زیارویان (تکین) و فراموش شدن نام پیامبر و فرزندان و غصب منبری است که روزی جایگاه پیامبر بود. رنج و دردهای خاندان پیامبر، خوشگذرانی خلفای عباسی و دشمنی مخالفان، علاوه بر اینکه بیانگر غمهای شاعرند، تصویری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرن چهارم ایران نیز به دست می‌دهند.

شاعر بزرگ قرن پنجم "ناصر خسرو قبادیانی" از شاخص‌ترین و برجسته‌ترین شاعرانی است که از اهل بیت دفاع می‌کند و فضایل و برتریهای خاندان علی (ع) را بر می‌شمارد:

بهار دل دوستدار علی  
همیشه پر است از نگار علی...  
از امت سزای بزرگی و فخر  
کسی نیست جز دوستدار علی  
فردوسی شاعر بزرگ همین عصر، خود را پیرو راه علی (ع) می‌داند و می‌گوید:

بر این زادم و هم بر این بگذرم  
یقین دان که خاک پی حیدرم  
و این در دورانی است که اتهام به شیعه بودن، برای کشتن کافی بوده است و به تعبیر "تاریخ بیهقی" انگشت در جهان کرده، قرمطی

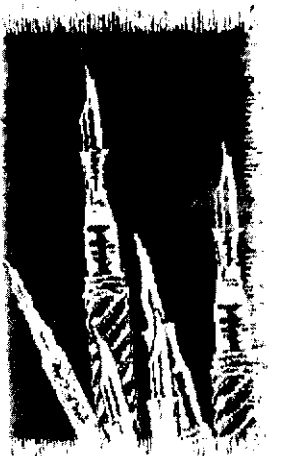
### ادب پایداری در عصر مشروطه و معاصر

دوره جدید، دوره‌آشنایی با فرهنگ و ادبیات اروپایی و اثرپذیری از آن است. بارزترین دوران ادب پایداری در ایران تا عصر انقلاب اسلامی، عصر مشروطه است. در این دوره، گونه‌های مختلف ادب چون داستان، طنز، شعر، تصنیف و نمایش‌نامه، عرصه ستیز یا بیدادگری حکومت، رخوت‌زدگی جامعه، تبعیض و بی‌عدالتی، جهل و بی‌قانونی و گاه نیز ستیز با مظاهر دینی و شعایر مذهبی است. دو جریان روشنفکری غربی و شرقی در این دوره شکل می‌گیرد و شاعران و نویسندگان با ستایش وطن، گذشته‌های افتخارآمیز، دعوت به مبارزه و تاختن به مظاهر بیداد و تمسخر آنها، در پی آفریدن فضایی تازه هستند. وجود روزنامه‌ها در این دوره امکان ارتباط را ساده‌تر می‌سازد؛ چنان‌که شعر طنزآمیز "نسیم شمال" (سیداشرف‌الدین گیلانی) که شعری ساده، روان و سرشار از واژگان مردمی است، از طریق روزنامه‌ها به افواه عمومی راه یافت و زمزمه پیر و جوان شد.

ای دل غافل بر احوال وطن خون گریه کن  
خیز ای عاقل، به این دشت و دمن خون گریه کن...  
ای دریغا دستخوش شد کشور کاووس کی  
آه و اوویلا که عمر مملکت گردید طی  
جای رطل و جام می، غولان نهادستند پی  
جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن، خون گریه کن  
(کلیات جاودانه نسیم شمال، ص ۴۲۹).

در این دوره پدیده‌ای نو به نام تصنیف شکل گرفت که در برانگیختن جامعه و طرح مفاسد دربار و حکومت و اختناق و ستم حاکم بسیار مؤثر بود. طنز موفق دهخدا با عنوان "چرند و پرند" و امضای معروف "دخو" و داستانها و کتابهایی چون "کتاب احمد"، "سفینه طالبی"، "شرح زندگانی من"، "مسالک المحسنین"، و...

● ادب مقاومت،  
پرخاشگر و تندخو و  
بی‌پرواست و  
دعوت‌کننده به قیام،  
ایستادگی و ایثار؛  
دعوتی که گاه به  
صورت فریاد اعتراض  
است و گاه در چهره  
نبرد مسلحانه.



نمونه‌هایی موفق در ادب پایداری این دوره‌اند که در آگاهی و بیداری اجتماعی نقش بسزایی داشتند.

در دوران اختناق رضاخانی و حاکمیت پهلوی دوم در همه حوزه‌های ادبی-نثر و نظم- آثار رسواگرانه و روشنفکرانه فراوان است. اگر ویژگی آثار عصر مشروطه، صراحت در بیان است، شاخص آثار این دوره - به‌ویژه در قلمرو شعر - بهره‌گیری از نماد در انتقاد از جامعه فقیر، ویران، بیدادزده و لبریز از اختناق و سانسور است. از این روست که مشاهده می‌کنیم داستانه‌ها، نمایش‌نامه‌ها و سرودهای این دوره همگی با زبانی نمادین از اوضاع دردناک و تیره‌ایران سخن می‌گویند. در کنار آثار روشنفکرانه این دوره که عمدتاً متأثر از اندیشه‌های مارکسیستی یا غربی هستند، نویسندگان و شاعران دینی برجسته‌ای را نیز می‌توان یافت که در حوزه شعر، داستان، نمایش‌نامه، یا سایر گونه‌های ادبی، از فقدان آزادی و عدالت سخن گفته‌اند. در سالهای ۵۶ و ۵۷، این آتش زیر خاکستر کم‌کم جان گرفت و زمینه را برای اندکی صراحت در گفتار فراهم ساخت. همین آتش اشتیاق برای آزادی بیان بود که بعدها به آشفشانی مبدل شد که پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ را رقم زد، ادب مقاومت را میان مردم کوچه و بازار کشاند و هنگامی که با شور و التهاب انقلابی آنها در آمیخت، به صورت زیباترین، مؤثرترین و رساترین شعارها تجلی یافت...

## انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری

ادبیات پایداری در عصر انقلاب اسلامی را به چند دوره می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- ادبیات پایداری در عصر قیام و حرکت تا پیروزی بهمن ۵۷.
- ۲- ادبیات پایداری در دوره هشت سال دفاع مقدس.
- ۳- ادبیات پایداری پس از جنگ هشت ساله.
- ۴- ادبیات پایداری نهضت و حرکت‌های اسلامی، مانند انتفاضه، بوسنی و...

جز پیام‌های برانگیزاننده و پرشور امام خمینی(ره) که آگاهی‌بخش، حرکت‌آفرین و جهت‌دهنده است، شعارهایی که در راهیماییم بر زبان جاری می‌شود یا به صورت نوشته‌های کوتاه بر دیوارها نقش می‌بندد، نوعی "ادبیات پایداری" است که نظیر آن را در عصر مشروطه نیز می‌توان یافت، با این تفاوت که در سال ۵۷ این شعارها و سروده‌ها، سرشار از مضامین دینی به‌ویژه مضامین فرهنگ عاشورا است. آنچه در این نوشته‌های "خودجوش" دیده می‌شود ظرافت، ایجاز، برانگیزانندگی و طنز شگفتی است که در عمده شعارها و دیوارنوشته‌ها به چشم می‌آید. سراینده بسیاری از این شعارها خود مردم هستند، گرچه گاه شاعران و نویسندگان برجسته‌ای نیز در پدید آمدن این نوشته‌ها و سروده‌ها سهم و نقش داشته‌اند، منتها حاکمیت شرایط اختناق و ارباب مانع از آن می‌شد که نام آنها در کنار سروده‌هایشان مطرح و شناخته شود. در فاصله سالهای ۵۶ و ۵۷ بسیاری از آثار نویسندگان و شاعران که قبلاً فرصت و جرئت چاپ نیافته بود، به چاپ رسید و با استقبال چشمگیر مردم روبه‌رو شد و همین امر برخی ناشران سودجو را به چاپ این‌گونه کتابها تحریض کرد.

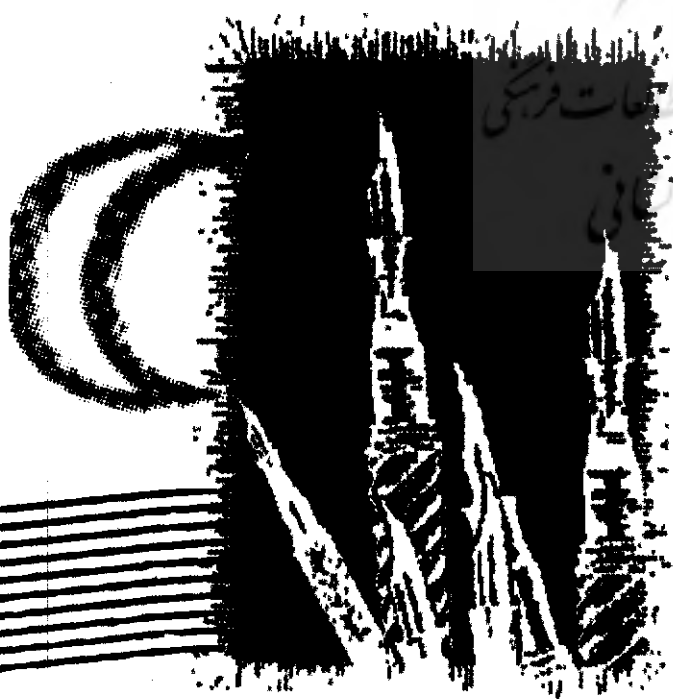
روزنامه‌ها و نشریات در سال ۵۷ (که فضا برای اندکی تنفس آزاد فراهم شده بود) به بیان ناگفته‌هایی پرداختند که تا پیش از آن امکان طرح آنها نبود. روشنگریها و افشاگریهای آنها در این دوره، نقطه عطفی در تاریخ مطبوعات ما به شمار می‌آید.

ویژگیهای ادبیات پایداری بین سالهای ۵۷ تا ۵۹ (آغاز هشت سال دفاع مقدس)، به شرح زیر است:

- ۱- ستایش آزادی و آزادی
- ۲- ستایش مجاهدان و ستم‌ستیزان
- ۳- دعوت به وحدت، یکپارچگی و همدلی و پرهیز از تفرقه و گسستگی
- ۴- محکوم کردن استبداد و بیداد داخلی و حامیان آن
- ۵- ستایش جهاد، هجرت، شهادت و پاکبازی
- ۶- مردم‌ستایی به‌ویژه مردم محروم و فداکار
- ۷- محکوم کردن زرپرستی، اشرافیت و روحیه دنیازدگی و ثروت‌اندوزی
- ۸- طرح الگوها و اسوه‌های تاریخی به‌ویژه الگوهایی که در تاریخ اسلام مطرح بوده‌اند، چون: ابودر، سلمان، مالک اشتر و نیز مبارزان معاصر چون: میرزا کوچک خان، سیدجمال اسدآبادی، شریعتی و...
- ۹- بهره‌گیری از اساطیر شاهنامه‌ای و چهره‌های حماسی.
- ۱۰- استفاده از عناصر حماسی، فرهنگی و ارزشی عاشورا.
- ۱۱- ستایش چهره‌های تراز اول انقلاب به‌ویژه امام خمینی(ره)، طالقانی و...
- ۱۲- ایجاد روحیه نشاط و امید به آینده در افراد و ترسیم افقهای پیروزی.

## ویژگیهای ادبیات پایداری قبل از هشت سال دفاع مقدس

- ۱- بهره‌گیری گسترده از قالبهای نو (نیمایی و سپید) در کنار قالب کلاسیک.
- ۲- طولانی بودن اشعار به دلیل داشتن زبان روایی (به‌ویژه سروده‌هایی که به شرح رویدادهای انقلاب می‌پرداخت).
- ۳- برای و درشتناکی کلمات و مهیج بودن موسیقی کلام (که برای القای شور انقلابی در افراد قالب بسیار مناسبی بود).
- ۴- گرایش به صراحت در داستانها به جای استفاده از نماد.
- ۵- رشد چشمگیر ادبیات کودکان و داستانهای کودکانه که بسیاری از آنها دارای موضوعات یکسان و حتی پرداخت نزدیک به هم بودند.







امین پور"، "علیرضا قزوه" و تتی چند از شاعران تا سالهای پس از جنگ نیز آن را ادامه دادند.

ادبیات انقلاب، در حوزه نثر - به ویژه در دهه دوم - و در قلمرو شعر - به ویژه در دهه آغازین - دارای عناصری است که شایسته است به طور مستقل بررسی شود. گذشت دو دهه از عمر انقلاب، برای بررسی ادبیات انقلاب کافی است. گرچه برخی منتقدان به دلیل نگرش خاص که به انقلاب دارند و عمدتاً از سر ناباوری، برآنند که انقلاب، ادبیات مستقل ندارد و بهترین آنها با این استدلال که هنوز زمان بررسی این نوع ادبیات فرا نرسیده است، این مهم را به آینده موکول می کنند، در حالی که همین افراد ادبیات پیش از این دوره را زمانی تحلیل کردند که حتی یک دهه از آن دوره فاصله نگرفته بودند.

ادبیات امروز انقلاب نمی تواند هویتی مستقل و قابل بررسی نداشته باشد، مگر اینکه باور کنیم انقلاب فقط در شئون سیاسی جامعه روی داده و مثلاً در قلمرو ادبیات هیچ اتفاقی نیفتاده است! و این قولی است که هیچ کس بر آن نیست.

ادبیات انقلاب در حوزه های شعر، داستان (کوتاه و بلند)، طنز ادبی و مطبوعات، همتهایی سترگ می طلبد تا دقیق و عمیق و برکنار از افراط و تفریط و به دور از دام چاله هایی که نگرشهای خاص سیاسی بر سر راه پژوهشگران و منتقدان این حوزه می گستراند، آن را تحلیل، مطالعه، نقد و بررسی کنند. هر چند گامهایی در این راه برداشته شده است اما به نظر می رسد کلی گویی راه به جایی نخواهد برد. لذا شایسته است پژوهشگران با تکیه بر مصادیق روشن و هزاران مجموعه شعر و داستانهای کوتاه و بلند و صدها هزار سند موجود در مطبوعات، در چینه ادبیات امروز را به آفاقی روشن بکشایند و برای آن شناسنامه مستند و مقبولی صادر کنند.

#### منابع و ماخذ

- تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، محمدابراهیم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- تاریخ پیامبر اسلام، آیین و نود، صادق، تاریخ پیامبر اسلام، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۲/۱۱، ش ۱۹۸۵، صفحه "بشنو از نی".
- اطلاعات، ۱۳۷۴/۹/۲۸، ش ۲۰۶۵۷، "شعرهای معاصر جهان".
- اطلاعات، ۱۳۷۶/۳/۲۰، ش ۲۱۰۷۰.
- الفتح، اعثم کوفی، احمد بن علی، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- القدیر، امینی (علامه)، محمدحسین، ترجمه محمدتقی واحدی، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، ج ۳، ۱۳۶۲.
- گزیده ای از شعر عربی معاصر، بدوی، مصطفی، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف بکار، انتشارات اسپرک، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- سانسور شده ها، جمیل، جواد، ترجمه صابر امامی، انتشارات حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۰.
- خاکستر تمدنها، ترجمه زهرا یزدی نژاد، ناشر: نون و القلم، ۱۳۷۴.
- شعرهای ممنوعه آمریکای لاتین، درفکی، حسین (گردآورندگان و مترجم)، نشر امروز، ۱۳۶۳.
- زندگی نامه شهیدان صدر اسلام، سامی النشار، علی، ترجمه سید باقر ابطحی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ادب مقاومت، شکری، غالی، ترجمه محمدحسین روحانی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۶.
- حبیبیه در ادب فارسی، ظفری، ولی الله، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- کلیات جاودانه نسیم شمال، (سیداشرف الدین قزوینی گیلائی)، به کوشش حسین نمینی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۱.

#### پانویسها:

- ۱- Zoroastrian problems (H. Bailey), p. 109.
- ۲- در این زمینه می توانید به برخی کتب معتبر چون کامل مبرد، ج ۱، ص ۲۷۲ و نیز الاغانی، ج ۱۴، ص ۱۵۰ مراجعه کنید.

ع- آغاز سروده های نسبتاً موفق برای کودکان و نوجوانان (عمدتاً در قالب چهارپاره).

۷- غلبه شعار گونگی بر سایر گونه های گفتاری و وفور عناصر عاطفی در متن برای برانگیزاندن مخاطب.

۸- حضور عناصر و مضامین دینی به ویژه شیعی در نوشته ها و سروده ها.

### ویژگی بارز نخستین سروده های دفاع مقدس

با شروع هشت سال پایداری و ایثار، مطبوعات، رسانه ها و تمامی آنچه به صورتهای مختلف در جبهه ها نوشته یا سروده می شد، حفظ و حمل بار سنگین "پایداری فرهنگی" را عهده دار شدند. بر خلاف آنکه برخی تصور می کنند در ادبیات این دوره نوعی پرهیز یا ستیز با قالبهای نو (نیمایی و سپید) دیده می شود، نخستین سروده های این دوره در قالبهای نو سروده شد. با مطالعه دقیق شش ماه آغازین جنگ، آمار سروده های نو پیش از سروده های کلاسیک سنتی است. ویژگیهای بارز نخستین سروده های دفاع مقدس عبارتند از:

- ۱- بهره گیری گسترده از قالبهای نیمایی.
- ۲- انتخاب زبان روایی.
- ۳- طولانی بودن سروده ها که تا حدی از زبان روایی تبعیت می کرد.
- ۴- غلبه زبان رجز و شعار بر سایر گونه های شعری.
- ۵- بهره گیری از زبان تصویر و آرایه های بدیعی.
- ۶- بهره گیری از آیات، روایات و گفته های حضرت امام (ره) (با مضمون هرسه) که نشان از حضور آشکار دو عنصر اساسی - اسلام و انقلاب - در فرهنگ ادبیات پایداری است.
- ۷- تلقیق نمادهای ملی (مانند کاوه، سیاوش، درفش، البرز، خزر، دیو، اهریمن و...) و نمادهای مذهبی و دینی و نمادهای فرهنگ اسلامی (مانند عاشورا، کربلا، ذوالفقار، بدر و...) با یکدیگر.

در سالهای دوم و سوم دفاع مقدس (۶۰-۶۱) کم کم قالبهای دیگر شعری فرصت ظهور و بروز یافت و در سالهای ۶۵ تا ۶۸ موج رباعی سرایی و دوبیتی گویی همبای مثنوی و غزل و نوسروده ها باعث شد که شاعران درجه اول رباعی سرا و دوبیتی گو، این دو قالب را رها کنند.

در سالهای پایانی هشت سال دفاع مقدس، سروده هایی رواج یافت که می توان آنها را شعر "تردید و اعتراض" نام نهاد. در این سروده ها نوعی دلواپسی و نگرانی خاطر از کمرنگ شدن ارزشها، فراموش شدن دستاوردهای عظیم مجاهدت و ایثار، رشد رفاه طلبی و عاقبت گرایی و... به چشم می خورد. این ویژگی گاه با طنزی خاص همراه است. "سلمان هراتی" را آغازگر این شیوه باید دانست، شیوه ای که بعدها کسانی چون: "سیدحسن حسینی"، "قیصر

